

فوائد جریده

حسن ختامی از سید جمال الدین اسدآبادی

ابوالفضل شکوری

با اختصاص دادن یک شماره ویژه یاد در پاییز ۱۳۸۵ به موضوع تاریخ مطبوعات ایران زیر عنوان «نقش قلم» فصل نوینی در روند این فصلنامه آغاز گردید که از شماره ۸۱ تا این شماره یعنی شماره ۹۱ و ۹۲ را دربر می‌گیرد.

با توجه به کمبود منابع در زمینه جریان شناسی و تاریخ مطبوعات فارسی زبان برآن شدیم تا با بهره‌گیری از مجله یاد این کمبود را برطرف نماییم و در دو فاز طرح مفصلی ریخته شد تا با پیمون آن‌ها به مقصود خود برسیم.

فاز اول برنامه بررسی و تدوین تاریخ «جراید فارسی برون مرزی» بود و قرار بود در فاز دوم به بررسی تاریخ تحلیلی جراید فارسی داخلی پردازیم. با یاری خداوند یکتا و همراهی شماری از فرهیختگان اهل فضل و قلم توانستیم طی ۱۲ شماره مجموعه ارزشمندی را برای نخستین بار در تدوین تاریخ مطبوعات فارسی برون مرزی به حضور علاقمندان عرضه بداریم. هرچند که به دلایل گوناگون از جمله در دسترس نبودن و یا صعب‌الوصول بودن منابع اصلی که همان نسخه اصلی جراید برون مرزی باشد سختی‌های فراوان کشیدیم اما شیرینی موفقیت و کامیابی در پشت

سر گذاشتن مراحل طرح همه سختی‌ها را جبران نمود.

لیکن برای آغاز فاز دوم طرح یعنی شروع تاریخ جراید داخلی، سرمان به سنگ خورد و کام مان تلخ گردید. چرا که از کمترین حمایت لازم برای تهیه و چاپ مطالب مورد نظر محروم گردیدیم و با عسرت و تنگدستی مالی که به هیچ وجه به وصف در نیاید مواجه شدیم و با کمال تأسف پروژه را متوقف ساخته و صرفاً برای حفظ «نام» یاد به گنجینه تاریخ شفاهی موجود در بنیاد تاریخ روی آوردیم که جزئیات آن را در شماره آینده یاد توضیح خواهیم داد.

در این شماره یاد به عنوان آخرین مبحث از مباحث مربوط به تاریخ جراید فارسی برون مرزی به بررسی مطبوعات فارسی شبه قاره هند پرداخته ایم که به همان دلیلی که گفته آمد خود نیز از محتوای آن رضایت کامل نداریم ولی به هر حال ولی مجموعه را تکمیل می‌کند. در حد آگاهی ما در شبه قاره هند بیش از سی عنوان جریده فارسی در گذشته منتشر شده و در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران معاصر تأثیر شگرفی داشته است. بویژه روزنامه جبل المتین که نزدیک به چهل سال مستمراً منتشر شده و در ایران نور پراکنی کرده است. بررسی دقیق این همه جراید دست کم سه شماره یاد را می‌طلبید که به جزئیات پرداخته شود که نشد!

بخش اصلی سخن سردبیر این شماره را به درج مقاله بسیار ارزشمندی از سید جمال الدین اسدآبادی اختصاص دادیم که نخستین بار در جراید فارسی هند به چاپ رسیده و نویسنده از موضع دینی و فلسفی به تبیین جایگاه روزنامه و مجله (جریده) یا اخبارنامه پرداخته و معجزه گری آن در اصلاح جوامع بشری را ستوده است و آخرین بار آن را آقای سید هادی خسروشاهی در ضمن مجموعه رسائل و مقالات سید در ایران منتشر نموده اند.

اسدآبادی، همان کسی است که برای نخستین بار به اهمیت جراید پی برده و مؤیدالاسلام و میرزا ملکم خان را به بندر عباس دعوت نموده و در آنجا برای بیدار سازی مسلمانان و اصلاح جوامع شرقی تصمیم به انتشار چندین جریده و روزنامه گرفته اند که عبارتست از جبل المتین، قانون والعروة الوثقی. در هر حال ادبیات فارسی سید اندکی قدیمی و دشوار است، اما دریایی از معانی و هدایتگری در آن نهفته است. اکنون آن را به عنوان حسن ختامی برای پایان پروژه بررسی جراید فارسی برون مرزی، با هم بخوانیم و فایده ببریم.

فوائد جریده

لا سعادة لأمة ليس لها سائق الى الفضائل و لا زاجر عن الرذائل^۱

عجیب است حالت انسان. عجیب است حالت انسان که صراط مستقیم سعادت و راه راست نیکبختی را ترک نموده، در اراضی و عِره^۲ شقا و سنگلاخ‌های بدبختی، جویای رفاه حال و آسایش خویش می‌باشد. اگر کسی صحف تواریخ و کتب سیر را به نظر اعتبار مطالعه کند و در مضامین آنها به دیده بصیرت غور نماید، بی‌شبهه بر او ظاهر و روشن خواهد شد که غنی و ثروت و امنیت و راحت و سلطه و سطوت و قوت و علو کلمه و عزت و شأن و شهرت هر امتی از امم و هر قبیله‌ای از قبائل، در آن زمانی بوده است که افراد آن امت، متخلق به اخلاق فاضله و متصف به سجایای پسندیده بوده اند و هر طبقه‌ای از طبقات آن قوم را بهره‌افر بوده است از بصیرت و بینائی. و فقر و فاقه و ذل و مسکنت و ضعف و انحطاط کلمه و حقارت و پریشان حالی و گمنامی آن در آن وقتی بوده که جهل و عمش^۳ و نابینائی عموم اشخاص آن را فرا گرفته و صنف صنف آن گروه به سوء طویت و فساد اخلاق و تباهی افکار مبتلا گردیده بودند.

و بدین سیر و دَوْران، هر کسی می‌تواند حکم کند که سعادت امم نتیجه بینائی و اخلاق مهذبّه و شقاوت آنها اثر غباوت و سجایای ناستوده است. بلکه اگر کسی تعمق و تدبیر نماید در این مسئله که سعادت امتی که به اسم واحده نامیده و به سمه^۴ واحده شناخته می‌شود، بلکه رفاهیت هر فردی از افراد آن حاصل نمی‌گردد مگر به تعاون و توازر، زیرا که بالبداهه^۵ شخص واحد بلکه شردمه^۶ قلیله‌ای که مؤلفه^۷ از آحادی چند بوده باشد، هرگز قیام بر معیشت ضروریه خود نتواند کرد، تا کجا که استحصال سعادت تامه و رفاهیت کامله از برای خویش نماید؟ - و تعاون و توازر

۱ نیکبختی نیست برای قومی که از برای او راننده بوی فضائل و منع کننده از رذائل نیست.

۲ سنگلاخ

۳ کوری و نابینائی

۴ علامت

۵ آشکارا

۶ جماعت کمی

۷ مرکب از ترکیب شدن

اشخاص متکثره متخلفه الطبیعه، صورت وقوع نخواهد پذیرفت مگر به تکفاه^۱ در اشغال و تناسب در افعال و تعادل در اعمال، بدان گونه که آن افراد متعدده را صورت وحدانیه حاصل گردد. و تکفاه و تعادل در عمل در عالم خارج، پیرایه وجود و هستی نخواهد یافت، جز به اعتدال اخلاق باطنیه و قوای نفسانیه و نزاهت^۲ آنها - و استقامت اخلاق و اعتدال سجایا هرگز وجود نپذیرد الا به بصیرت و بینائی و تعدیل قوای عقلیه و تقدیم و تهذیب ملکات آن. البته آن مدبّر بصیر انا^۳ و لماً^۴ حکم خواهد خواهد کرد که علت حقیقی و سبب اصلی سعادت تامه هر امتی از امم، عقل و بصیرت و نزاهت و اعتدال اخلاق آن امت است و باعث شقا و موجب پریشان حالی آن زوال آن علت است.

چون این ظاهر شد، پس باید دانست که اخلاق نفسانیه و قوی و ملکات عقلیه را عجائب جزری و مدئی و قبضی^۵ و بسطی^۶ و ارتفاعی و انخفاضی^۷ و ازدیادی و نقصانی و عروجی^۸ و هبوطی^۹ می‌باشد. حتی اگر امتی از امم غفلت ورزیده زمانه قلبی از مراقبت و محافظت اخلاق نفسانیه و قوای عقلیه خود چشم پیوشد و در تعدیل^{۱۰} و تقویم^{۱۱} و ادامه و تثبیت آنها بر مراکز لائقه تساهل کند، آن اخلاق و قوی اگر چه به درجه عالی رسیده باشد، رفته رفته روی به اضمحلال آورده تا آنکه بالمره معدوم و نابود خواهد گردد. و آن امت نه تنها از سعادت و رفاهیت محروم خواهد شد، بلکه در اندک زمانی از دائره انسانیت بیرون شده به حیوانات و حشیه ملحق خواهد گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ برابر داشتن

۲ پاکی

۳ انا باعتبار ائیت یعنی ثبوت حکم در نفس الامر

۴ لماً باعتبار لمّیت یعنی علت حکم در نفس الامر

۵ گرفتن

۶ گشادگی

۷ پستی

۸ بالا برآمدن

۹ فرود آمدن

۱۰ برابر داشتن

۱۱ راست نمودن

پس هر امتی را باید علی‌الدوام از برای صیانت^۱ اخلاق و حفاظت ملکات و راهنمایی به سوی سعادت مُنْهَی^۲ از غفلت و صائنی از هبوط و سائقی به سوی فضائل و قائدی^۳ به جانب کمالات و مانعی از رذائل و زاجری از نقائص و آمری به معروف و ناهئی از منکر بوده باشد. و چون به مسبار^۴ بصیرت سیر نمائیم و به میزان عقل بسنجیم، هیچ چیزی را در این زمان نمی‌بینیم که متصف به جمیع این اوصاف و دارای همگی این مزایا بوده باشد، مگر جرائد و اخبارنامه‌های یومیه. زیرا که هر صنعت و حرفه‌ای را موضوعی است خاص و یا عامی که از سوء تصرف، ناهلان را به منزله خاص گردیده است و صاحب آن در او مستغرق شده، چشم از مشارکین خویش در عالم مدنیت پوشیده و از سود و زیان تقدم و تأخر آنها غفلت ورزیده است، بلکه ضرورات معیشت او را در غالب اوقات از اتقان^۵ صنعت خویش باز داشته است.

اما اخبار [روزنامه نگاری]، آن یگانه صنعت است که موضوع آن عموم احوال و اخلاق امم و غایتش اصلاح شئون خویش و جلب سعادت و رفاهیت و امنیت از برای آن، بلکه از برای جمیع امم می‌باشد:

[فوائد جریده و روزنامه]

۱. از آنست که جریده (اخبارنامه) مسابقت می‌نماید در نشر فضیلت ارباب فضائل، اولاً از برای مَحْمَدتِ حَقّه که جزای صاحب فضیلت است و ثانیاً از برای حَسَبِ دیگران بر اکتساب فضائل.
۲. و مبادرت می‌کند بر ذکر رذائلی که ضررهای آنها متعددی است به جهت کبح^۶ صاحب رذیله و زجر سائر ناس از ارتکاب مثل آن.
۳. منافع اخلاق جمیله را به ادله واضحه و بیانات شافیه به نهجی که عوام از آن

۱ نگاهداری

۲ بیدارکننده

۳ کشنده

۴ آلتی است که عمق زخم را امتحان کند.

۵ استوار کردن

۶ برانگیختن

۷ کشیدن لگام یعنی بازداشتن.

فائده گیرد و خواص نیز بی بهره نماند، هر روزه در اعمده^۱ خود ادا می نماید و مساوی صفات خسیسه دئیه را و مضرت آنها را در عالم انسانی به عبارات دلپذیر شرح و بسط می دهد.

۴. فوائد علوم را از برای عموم چنان بیان می کند که هر کسی را یقین حاصل می شود که سعادت هر امتی و رفاهیت و عزت آن به علوم حقه و معارف حقیقه بوده است، نه بغیر آنها. و خسارت و زیان جهل را به طوری تقریر می نماید که هر جاهل غیبی اعتراف می کند که هر بلیه و مصیبت و گزندگی که او را رسیده است، از شامت جهل بوده است.

۵. درجات شرف علوم را به اندازه منافع آنها در عالم انسانی تعیین می نماید و مقدار لوازم هر یک را مدلل و مبرهن می سازد تا آنکه نادانی به جهت فایده زهیده^۲ صرف عمر گرانبها را نکند و از فایده جلیله ای که از اشتغال به علم دیگر حاصل می شد، محروم نگردد.

۶. وجوب صنایع را که نتایج علوم است در عالم مدنیت تثبیت و بر عدم حصول رفاهیت و سعادت بدون ترقی در صناعات اقامه براهین قاطعه می کند.

۷. و معارف ضروره ای که هر انسان را از برای صدق اسم انسان بر او، دانستنش واجب و لازم است، چه اولیات جغرافیّه و چه مبادی طبیعیات و چه انموزج^۳ فلکیات و چه حوادث جوئیّه و چه لوازم زراعت و چه مقتضیات جرف^۴ و چه ضروریات طبیّه و چه ترتیب منزل و چه تنظیف بلاد و چه تربیت اولاد، بر نوعی که عوام الناس از آن بهره ور شوند ذکر می کند.

۸. تحدید انسان و شرح فضیلت انسان را نموده، پس از آن اغنیا و ارباب مکنت را به فضیلت انسانیت دعوت و به انشاء مکاتب عمومیه از برای علوم و معارف و صنایع و بنای دارالشفاه^۵ [بیمارستانها] ترغیب و تشویق می نماید.

۹. و از برای برانگیختن همم^۶ حامله^۷ و احیای نفوس میته^۸، ذکر فضائل آبای

۱ ستون ها

۲ به معنی کم و اندک

۳ آنچه بر صفت چیزی دلالت کند.

۴ افسرده

ماضیه و اجداد سالفه را به جهت اولاد و احفاد به نهج شیرین، گاه و بیگاه فریضه ذمت خود می‌داند.

۱۰. احوال و اخبار امم بعیده را در اعمده [ستونها و صفحات] خود به تفصیل نقل می‌کند، تا آنکه صاحبان سیاست نصیب خویش را از آن بردارند و خداوندان تجارت حظّ و بهره خود را بگیرند و ارباب علوم فوائد علمیه را اکتساب کنند و آحاد امت بز احوال آنها نظر دقت نموده اگر از اهل سعادتند، اجتهاد نموده اسباب آن را فهمیده، پس از آن همت خود را برانگیخته و عرق^۱ حمیت و غیرت خویش را حرکت داده درصدد مبارات^۲ و مجارات^۳ آنها برآیند و اگر از اهل شقا می‌باشند، از آن عبرت گرفته از بواعث آن اجتناب نمایند.

۱۱. و حاکم را بر عدالت دعوت و فواید آن را بیان و وکالت عموم رعیت را نموده، شکوهای آنها را به حکومت می‌رساند و دفع ظلم مأمورین و رفع حکام رشوت خوار را می‌کند، حوادث آتیه را تفرّس^۴ نموده ارباب حل و عقد را آگاه می‌سازد، تا آنکه قبل از حدوث آن در دفع و علاج آن بکوشند و حکومت و رعیت از ضرر آن محفوظ ماند.

۱۲. و اگر شخصی اجنبی امر ناملائمی به قوم آن نسبت بدهد، به ادله و براهین متقنه^۵ که برنده‌تر است در نزد دانایان از شمشیرها، دفاع از قوم خود را واجب می‌داند.

۱۳. و دائع^۶ افکار هر عاقلی را به سائر عقلا می‌رساند و عالمان را به یکدیگر آگاهی می‌دهد.

۱۴. حکایات لطیفه و نکت ظریفه و اشعار بلیغه را از برای انشراح صدور، گاه گاهی به قارئین خود عرضه می‌کند.

۱ رگ

۲ معارضه و مقابله

۳ رفتن دوکس برابر یکدیگر

۴ دریافت نمودن

۵ محکم و استوار

۶ اماتهای خاطر و افکار

۱۵. اجزای متلاشیه^۱ امت را و اعضاء متفرقه آن را جمع نموده به حیات تازه زنده‌اش می‌گرداند.

۱۶. و خوانندگان خود را نشسته به سیر و سیاحت عالم دلشاد می‌کند.

۱۷. و بیماران به امراض مزمنه^۲ را به اطباء ماهرین، دلالت و جاهلان را به علماء متفنین رهبری و فقرا را به مواقع غنا و اکتساب ارشاد می‌نماید.

۱۸. دوست امت را از دشمن تمیز می‌دهد و لباس لیبس را منشق^۳ می‌سازد.

۱۹. و به کمین‌گاه‌های شرّ و شقا، از برای احتراز کردن، اخبار کرده به شاهراه‌های سعادت ارشاد می‌کند و از برای جلب منفعت و دفع مضرت حقایق اشیا را چنانچه در واقع است، جلوه داده و آشکار می‌نماید و در هر جا و هر چیزی که منفعتی از برای امت خود دیده، حالاً اعلان می‌کند.

و بالجمله جریده، انسان خواهان سعادت را دوربینی است جهان‌نما و ذره‌بینی است حقیقت‌پیرا و راهبری است نیک فرجام و صدیقی سعادت انجام و طیبی است شفیق و ناصحی است صدیق و معلمی است متواضع و مؤدبی است خاضع و دیده‌بانی است بیدار و حارسی^۴ است هوشیار و مربی است کامل از برای عموم و تریاق شافی است به جهت جمیع هموم و بهترین منشطی^۵ است خاملین را و نیکوترین منبهی^۶ است غافلین را و روح‌بخش است دل‌های مرده را و برانگیزنده است افکار افسرده را و در وحدت جلیس است و در وحشت انیس. عالمان راست سرمایه، عارفان راست پیرایه، تاجران را رهبر، و حاکمان را مشیر معدلت گستر، زارعان را قانون فلاح است، و صانعان را استاد صناعت و جوانان را دبستان و عوام راست ادبستان و ارباب بصیرت راست نور دیده و خداوند سیاست را دستوریست پسندیده و مدنیت را حصنی^۷ است حصین^۸ و سعادت انسانی را

۱ پریشان

۲ مرضهای کهنه

۳ چاک و پاره شدن

۴ پاسبان و نگهبان

۵ نشاط آورنده

۶ بیدارکننده

۷ قلعه

۸ استوار

حبلی^۱ است متین و شرف و منزلت و رفعت جریده و کثرت آن برحسب ترقی امم است در علوم و معارف و عروج آنهاست به مدارج مدنیت، زیرا که عالم عارف حاجات و ضروریات خویش را از جاهل غافل بیشتر می‌داند و در استحصال آنها زیاده سعی مبذول می‌دارد.

پس هر امتی که جویان سعادت و خواهان رفاهیت بوده باشد، باید بداند که به غیر از جرائد و اخبارنامه‌های یومیه، به مقصود اصلی و مطلوب حقیقی خود نخواهد رسید. پس به عبث راه‌های بیغوله^۲ نیاید و اراضی پست و بلند را بیهوده قطع ننماید و لکن به شرط آنکه صاحب جریده، بنده حق بوده باشد، نه عبد دینار و درهم، زیرا که اگر بنده دینار^۳ و درهم^۴ بوده باشد، حق را باطل و باطل را حق و خائن را امین و امین را خائن و صادق را کاذب و کاذب را صادق و عدو را صدیق و صدیق را عدو و قریب را بعید و بعید را قریب و ضعیف را قوی و قوی را ضعیف و منفعت را مضرت و مضرت را منفعت و حسن را قبیح و قبیح را حسن و موهوم حقیقی را موجود و موجود حقیقی را موهوم و می‌نماید و البته عدم اینگونه جریده، از وجود آن به مراتب غیرمتناهی بهتر است.

چون فایده اخبارنامه‌ها و مزیت آنها معلوم گردید، اکنون مرا می‌رسد که تأسف خویشان را اظهار کرده بگویم: هندوستانی که از قدیم زمان معادن علوم و معارف و منبع صنایع و بدایع و ینوع^۵ حکم و فلسفه و کان قوانین و نظامات و مدنیت بوده است، چرا باید جرائد را در او آن قدر که باید و شاید، مقدار و منزلت نباشد؟ و جرائد منطبعه در آن عبارت از معدودی چند باشد و کثرت عدد سکان که به دو صد ملیون (چهارصد کرور) بالغ می‌شود و چرا اهالی آن مملکت را رغبت تامه در خواندن جرائد نباشد؟ با عظیم فائده و کثرت منافع آن.

و اما آن عذری که بعضی از ارباب و جاهت هند در باب نخواندن جریده تقدیم کرده می‌گویند که جرائد مطبوعه در این ممالک، مطالب نافع و مقالات مفیده را حاوی نیست! لهذا طبع به قرائت آن رغبت نمی‌نماید، البته آن عذر مقبول نخواهد

۱ ریسمان

۲ گوشه

۳ مطابق مندرجات کتب اسلامیّه نه ریال و پنجاه دینار پول حالیه است (۹/۵۰ ریال).

۴ درهم از ده شاهی (بیست و پنج دینار حالیه) کمتر است چونکه دوپست دینار ۱۰۵ مثقال شرعی است.

۵ چشمه

افتاد، زیرا که معلوم است نزد هر صاحب بصیرتی که اتقان صنعت و احکام حرف و تأنق^۱ در اعمال و تحسین افعال برحسب رغبت و میل عموم امت می‌باشد. پس نقص را باید در افکار عمومیّه دانست نه در اخبارنامه‌ها. اگر عموم اهالی را رغبتی کامل و میلی صادق از برای خواندن جرائد حاصل شود، بی‌شبهه صاحبان جرائد صرف افکار نموده، آنچه در خیابای^۲ عقول داشته باشند، برای خواهش افراد امت به منصّه^۳ شهود جلوه خواهند داد، بلکه فکر خویش را با افکار دیگران شریک کرده و هر روزی مقاله‌های شیرین، از برای تربیت و تهذیب عموم انشاء خواهند نمود. این است مجمل آنچه می‌خواستیم در فضیلت جرائد بیان کنیم. والسلام.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ از انیق خوبی

۲ گوشه‌ها

۳ عرصه میدان و محل جلوه و بروز



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی